

**Institute of Persian Research  
Aligarh Muslim University, Aligarh (India)**

International Seminar On Bedil Dehlavi And The 2nd International Conference of Oriental  
/Iranian Studie 01-03 March, 2017 In collaboration with The Mobin Cultural Institute,Iran

**Certificate of Attendance**

This is to certify that

Maryam Salehinia

Co-Author Mohammad Said Mirzaei

Attended a paper entitled

Narrative analysis in “ostad e kimiya johar” the tale of Masnavi, Erfan (Gnosis) by ‘Bidel Dehlavi’

in the Conference organized by the Institute of Persian Research, Aligarh Muslim University,  
Aligarh and the Mobin Institute, Iran on 01-03 March 2017.

*Mohammad Nasiri*  
Manager of Mobin Cultural Institute

Prof. Azarmi Dukht Safavi Director Institute  
of Persian Research Coordinator, Seminar

*Adlafai*



Shiraz University



Shiraz University



National Museum of Iran



National Archives of Iran



National Library of Iran



National Archives and Library Organization of Iran



National Library and Archives of Iran



National Archives and Library Organization of Iran



# تحلیل روایی حکایت «استاد کیمیا جوهر» از مثنوی «عرفان» بیدل دهلوی

۱. مریم صالحی‌نیا

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد  
m.salehinia@um.ac.ir

۲. محمدسعیدمیرزاei

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد  
msmirzaei<sup>55</sup>@gmail.com

چکیده

در پژوهش حاضر یکی از حکایت‌های حالت محور مثنوی «عرفان» سروده بیدل دهلوی تحلیل و واکاوی شده است. با توجه به اینکه مثنوی‌های بیدل تا کنون حوزه‌ای تقریباً نامکشوف برای پژوهش‌های روایی بوده است، یکی از اهداف اولیه این پژوهش معرفی و شناسایی ارزش‌های ویژه روایت‌پردازی بیدل در مثنوی‌های اوست. پرسش اساسی این پژوهش آن است که روایتگری بیدل تا چه میزان دقیق، هدفمند و در خدمت اندیشه اوت؟ و وی چه تمھیداتی برای پاسخ به پرسش‌های احتمالی مخاطب درجهت رسیدن به خوانش حداکثری اندیشیده است؟ نتایج این بررسی در چشم‌اندازی کلی نشانگر این واقعیت است که بیدل در مثنوی‌هایی سبکی دیگرگونه و شگردهای روایتگری قابل تأملی اختیار کرده است و به ویژه در حکایت مزبور گرانیگاه روایت وی عنصر رمزگانهای کنش‌های روایتی و رمزگانهای نمادین است که در انطباق آشکاری با مفاهیم عرفانی و فلسفی خاصی است که در نظر داشته و پرداختن به آن در شناسایی دقیق دیدگاه بیدل و سبک وی ناگزیر است.

**کلمات کلیدی:** بیدل دهلوی، مثنوی عرفان، رمزگانهای کنشی، رمزگانهای نمادین.

**Narrative analysis in “ostad e kimiyajohar”  
the tale of Masnavi, *Erfān* (Gnosis) by ‘Bidel Dehlavi’**

**۱.Maryam Salehinia**

Assistant Professer of Persian Language & Literature, ferdowsi University of Mashhad  
[m.salehinia@um.ac.ir](mailto:m.salehinia@um.ac.ir)

**۲.Mohammad Said Mirzaei**

Ph.d. student of Persian Language & Literature, ferdowsi University of Mashhad  
[msmirzaeioo@gmail.com](mailto:msmirzaeioo@gmail.com)

**Abstract**

In this study, a stative story of Masnavi *Erfān* (Gnosis) by Bidel Dehlavi is analyzed and explored. In this analysis, we focused on the proairotic and symbolic codes based on the teachings of structural narratologists specially Grald Prince. According to Bidel’s Masnavi, has almost unexplored area of narrative researches, one of the primary goals of this research is discovery and representation and identify specific values of Bidel narration in his tales. The central question of this study is that the narrative Bidel, how accurate, objective, and serves his ideology? And what arrangements he has to answer possible questions from the his readers is to achieve maximum reading? Results of this study, in an overall perspective, represents the fact that Bidel in his Masnavi, has considerable authority to use of the unparalleled style and narrative techniques, especially in the present story, the narrative center of gravity is the proairotic and symbolic codes, which is clearly in compliance with mystical concepts and specific philosophy in mind, and considering that, in view of identifying precise Bidel and his style, crucial.

**Keywords:** Bidel Dehlavi , *Erfān* (Gnosis), proairotic code, symbolic code.

مثنوی‌های بیدل بخشی از جهان خودبستنده آثار بیدل است و حکایتها بیشتر می‌کند، بخشی از جهان خودبستنده مثنوی‌های اوست. در حالی که پژوهش‌ها در حوزه بیدل‌شناسی عمده‌است بر دو محور استوار بوده است، یکی معناشناسی و بررسی جوانب اندیشه و دستگاه فکری بیدل دهلوی و دیگری ویژگی‌های زبانی، صور خیال و به طور کلی محورافقی شعر او. مؤید این مطلب پایان نامه «سیر انتقادی بیدل‌پژوهی در زبان فارسی» (افضلي، ۸۳۸۸) است که در آن تعداد دویست و هشت مقاله علمی – پژوهشی به همراه یکصد و پنجاه و یک کتاب با موضوع بیدل بررسی شده است. رویکردهای نظری این پژوهش‌ها حاکی از آن است که تا کنون بررسی مثنوی‌های بیدل دهلوی از منظر روایت‌شناسی و توجه به ارزش‌های بیدل در مقام یک شاعر حکایت‌پرداز و روایت‌گر در کانون توجه بیدل‌شناسان قرار نگرفته است. تنها موردی که یافته شد - آنچنان که در کتاب شاعر آینه‌ها (شفیعی کدکنی، ۸۳۸۹) آمده است آن است که در سال ۸۹۹۹ توسط محققان روسی داستان «کامادی و مدن» (Komade i Modan) از مشوی «عرفان» بیدل به گونه‌ای خاص مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با مقدمه‌ای مفصل از صدرالدین عینی منتشرشده است (رک. کتابنامه). همچنین صلاح الدین سلجوکی در نقد بیدل به معرفی موضوعات اصلی هر یک از مثنوی‌های بیدل پرداخته است (سلجوکی، ۸۳۳۳). مقاله ارزشمند «تأملی در ساختار تمثیلی طلسیم حیرت بیدل دهلوی» (نیکوئی، ۸۳۹۲) با تأکید بر ساختمند بودن مثنوی‌های بیدل، با رویکردی تطبیقی در جستجوی آشخورهای فلسفی - عرفانی بیدل در متون هندی و عرفان اسلامی است و ضمن آن گاهی به طرح روایی نیز پرداخته است. میرزا و صالحی نیا (۸۳۹۳) نیز در مقاله «تحلیل روابی عنصر زمان در حکایتی از مثنوی «محیط اعظم» بیدل دهلوی» شگردهای روایتگری بیدل را با تیکه بر عامل زمان بررسی کرده‌اند.

## روش تحقیق

در دیدگاه روایت‌شناسی پرینس، رمزگانها واحدهایی معنایی هستند که در خوانش روایت و فهم آن، نقشی تعیین کننده دارند. «خوانایی» هر متن عبارت است از اینکه دریافت معنا از آن تا چه اندازه آسان است. میزان این آسانی را می‌توان بر پایه چند عامل سنجید: شمار عملیات لازم برای دریافت معنا، پیچیدگی آنها، گوناگونی آنها و امکان پذیری فهم آنها بر پایه خود متن. اگر بخواهیم خوانایی یک متن را تعریف کنیم، عملاً درگیر این مسئله خواهیم شد که آن متن تا چه اندازه راه را برای عملیات روایتی هموار می‌سازد یعنی عملیاتی که مستقیماً به ویژگی‌های همچون پیرنگ، روند زمانی رویداد، واحدهای هرمنوتیک و مواردی از این دست ربط دارد (پرینس، ۸۳۹۸، ۸۳۹۹).

پرینس همچنین می‌گوید: آشکار است که خواننده از رمزگان زبانی استفاده می‌کند تا بتواند معنای زبانی واژگان و جملات سازنده متن را دریابد؛ اما ممکن است از رمزگان نمادین نیز استفاده کند تا بتواند آن معنای زبانی را، با توجه به دیگر نظامهای دلالت (جامعه‌شناسی، هستی‌شناسی روان‌شناختی و جز آن) قالبدھی کند. (همان، ۸۳۷). رمزگان‌های معنایی و به تعبیر پرینس واحدهای هرمنوتیک، خود بخشی از واقعیت جهان درون داستانی محسوب می‌شود و شناسایی آنها در جهت درک و تبیین میزان روایت‌مندی اثر روایی است.

تحلیل رمزگانهای روایت بیدل در وهله نخست بر مبنای توضیحات راوی در متن امکان‌پذیر خواهد بود و در دایره‌های گسترده‌تر با در نظر گرفتن پس‌زمینه فرهنگی روایت می‌توان هر چه بیشتر به اهداف و نیات راوی و تبیین هدفمندی و دقت وی در روایتگری نزدیک شد.

## بحث و بررسی

### گزارش داستان

حکایت مرد کیمیاگر همانند بیشتر حکایتهای بلند و متوسط بیدل دارای یک شخصیت محوری است. سفر، سرگشتگی و رسیدن شخصیت به نقطه‌ای که می‌توان آن را نقطه قهقهای و یا مرز شکست و نالمیدی شخصیت نامید، از مختصات حکایتهای بیدل در مثنویهای عرفان و محیط اعظم است. افزون بر این ویژگی دیگری که از خصلتهای نسبتاً پایدار روایت بیدل به شمار می‌رود «حالت محور» بودن است. تأمل در گونه شخصیت‌پردازی، توضیحات راوی، فرجام شخصیتها، ظرافت تصویفهای راوی، می‌توان گفت حالت محور بودن روایت بیدل علاوه بر خصلت ذاتی وی به عنوان راوی- شاعر و نوع بیان و نگاه شاعرانه وی، نشان از دقت و هدفمندی روایت وی دارد. همه ویژگی‌های مذبور در داستان «استاد کیمیا جوهر» نیز حضور دارد.

### رمزگان‌های کنشی

۱. تلاش و جستجوی کیمیاگر در وطن برای یافتن اکسیر و نیافتن مطلوب در سرزمین خویش.
۲. رفتن کیمیاگر به سفر برای جستجوی اکسیر.
۳. پیش‌شدن و رسیدن کیمیاگر به سرزمین جنوب پس از سالها سفر و جستجو و رسیدن به آستانه نالمیدی.
۴. رسیدن جوانی زمانی که کیمیاگر در اوج زاری و نیایش است و پرسش وی از علت مقصود و مقصد سفر.
۵. شرح رنجهای سفر در طلب کیمیا و نالمیدی.
۶. خبر دادن جوان -پس از آن که از نوادر زیادی سخن می‌گوید- از درختی جادویی که هر شب از غارت بهایم داشت چیزی از آن نمی‌ماند و صبح دوباره از غیب با هزاران شاخ و برگ می‌روید.
۷. تقاضای کیمیاگر از جوان برای رساندن او به آن درخت.
۸. یقین حاصل کردن کیمیاگر که درخت سحرکار است و مژده دادن به جوان که عهد من این بوده است که هر کس مرا به این درخت برساند با کیمیای خود او را تا ابد توانگر سازم.
۹. سفارش کیمیاگر به جوان برای تدارک وسایل ساختن کیمیا.
۱۰. عمل جوان به دستورات: پاک کردن گوشاهی، آوردن دیگی آهنی و پر کردن آن از روغن و آوردن فلزات مورد نیاز و روشن کردن آتش در زیر دیگ.
۱۱. کیمیاگر درخت را بر می‌کند و قطعه در روغن می‌افکند، معجونی از آن درست می‌کند و آن را به سرایای خویش می‌مالد.
۱۲. کیمیاگر به جوان دستور می‌دهد تا او در میان دیگ بگذارد و خود منتظر باشد تا روز دیگر رمز قدرت را از صنع حق مشاهده کند.
۱۳. جوان روز بعد به سمت وعده‌گاه می‌رود، از دور نوری درخشان می‌بیند، و هنگامی که نزدیک می‌شود می‌بیند که درخت و کیمیاگر و فلز همه تبدیل به طلا شده‌اند.
۱۴. جوان قطعه‌ای از طلا را جدا می‌کند و در شهر می‌فروشد.
۱۵. روز بعد جوان به کنار درخت بازمی‌گردد و مشاهده می‌کند قطعه جدا شده، دوباره روییده است.

۸۹. جوان طی چهار سال با استفاده از طلای بی‌پایانی که به او رسیده، با به خدمت گرفتن استادان بسیار، عمارتی بر فراز کوه می‌سازد و جان می‌سپارد.

«قصه معجزه آن استاد/ کز فنا گنج بقا کرد ایجاد» با پردازش شخصیت مرد کیمیاگری آغاز می‌شود که تمام همتش در جستجوی یافتن اکسیری برای رسیدن به طلاست. نخستین صفتی که به عنوان جانشینی برای مرد کیمیاگر آمده، «کیمیاجوهر» است. بیدل حکایت خویش را چنین آغاز می‌کند:

داشت گنج ذخیره معلوم	کیمیاجوهری به خطه روم
بسته بر دل طلسی از رنجش	فکر واکردن در گنجش
در بغل داشت چشمہ سیماب	هر بن مویش از دل بیتاب
دود کبریت شعله می‌انگیخت	گر نفس گردی از تپش می‌بیخت
راه هوشش غبار زر می‌زد	ور نگاهی به دیده پر می‌زد
باز می‌کرد بوته اکسیر	شش جهت چشم آرزو تصویر
دهر خمیازه خمارش بود	وآن خیالی که خارخارش بود
(بیدل، ۳۲۵:۲، ج. ۸۳۸۷)	

خلاصه‌ای که طی این ابیات برای مرد کیمیاگر آورده می‌شود، می‌توان به سه جنبه کلی تقسیم کرد:

الف. کیمیاجوهر بودن و گنج ذخیره معلوم داشتن

ب. بی‌تابی و شدت اشتیاق مرد کیمیاگر برای رسیدن به اکسیر تا جایی که «راه هوشش غبار زر می‌زد».

ج. پشتکار وی برای رسیدن به آرزوی خویش چندان که «دهر خمیازه خمارش بود».

هر سه خصلت در مراحل مختلف داستان بروز و ظهور می‌یابد و زمینه باورپذیری داستان بیدل را فراهم می‌آورد.

استاد کیمیاگر سرانجام با درآمیختن و سوزانیدن خویش با درخت، اکسیر را به دست می‌آورد و به این ترتیب نشان می‌دهد که اکسیر جوهر کیمیا در وجود خودش نهفته است:

می‌کند از غبار جسم بخار	کیست فهمد که فکر این آثار
زنگ تصویر دهد، گرده اوست	عقل و فطرت نقوش پرده اوست
از گذار جسد کشد اکسیر	همتی کو که صنعت تدبیر
چون شود کشته عالمش دیت است	جسم، سیماب گنج خاصیت است
(همان، ۳۳۸)	

مرد کیمیاگر همچنین در بیان انگیزه خود برای به دست آوردن «زر» به وسیله فنای جسم خویش می‌گوید:

من برآنم که جسم خون شده را	برسانم به دستگاه بقایا
رمز این پرده آشکار کنم	خاک ره را فلک غبار کنم
(همان، ۳۳۸)	

## رمزگانهای نمادین

بیدل بر حکایت مقدمه نسبتا طولانی (۸۸ بیت) نوشه است که مفاهیم پوشیده حکایت را تبیین می‌کند. اشارات وی در آستانه روایت، در تحلیل کارکردهای اصلی داستان و شناسایی رمزگانهای کلیدی، در نهایت خوانش روایت نقشی اساسی دارد. بیدل در این مقدمه آدمی را «تجلى گاه صنع صانع و جوهر اسرار غنا» می‌داند.

صنعت صانع اگر از فهم رساست      آدمی جوهر اسرار غناست  
(همان، ۳۲۲)

تأکید می‌کند که زر این حکایت از نوعی است که همه بی قراری‌های تاجر، عالم و شاه و درویش در پی رسیدن به آن است:

دارد آهنگ مقصدى در پيش      تاجر و شاه و عالم و درویش  
معدنا نیست جز حصول غنا      زان همه بی قراری سودا  
چهره پردازش اتفاق زر است      وین غنا هر کجا نقاب در است  
(همان، ۳۲۲)

و تأکید می‌کند فلزات هم در سیر تکاملی خود سرگشته راه یافتن به عزت ثابت زرند:

در فلزات یافته است قرار      انقلاب تردد ادوار  
داغ این جوهرند در معدن      ...مس و ارزیز و فضه و آهن  
نیست ثابت بنای عزتشان      تا به زر نبرده نسبتشان  
طالب عزت دوام خودند      همه بی تاب انتظام خودند  
(همان، ۳۲۳)

و نیز رسیدن به صفاتی باطنی و ظاهری زر، غایت سرگشته‌ی عارف است که چون به آن راه باید همه هستی در برابر او تسلیم خواهد شد:

به فروغ صفاتی دل روشن      زر چراغیست بی غیش روغن  
بی کدورت چون طینت عرفا      ظاهر و باطنیش به نور صفا  
فطرت شخص کیمیا عمل است      ...پادشاهی که گنج در بغل است  
کوه در سایه‌اش کمر بازد      ...جود این قوم دست اگر یازد  
(همان، ۳۲۳)

در نظر بیدل جوهر شاهی در تمامی هستی انعکاس یافته است:

آنجه جوشش ز ماه تا ماهی است      خاصیتهای جوهر شاهی است

و زر اصیل ترین تجلی گاه دستگاه شاهی است:

سلطنت هر گه آینه پرداخت  
شخوص خود را برون زر نشناخت  
شاه بیزr جز شه شترنچ  
...نتوان یافت در جهان سپنج  
(همان، ۳۲۲)

به عقیده بیدل به سبب ثبات و متناسبی که در جوهر «زر» نهفته است، هر انسانی ناگزیر در طلب آن است:

چیست زر؟ جوهر کمال و وقار  
متصل متنانت ادوار  
طلبش ناگزیر انسان است  
زآن ثباتی کز او نمایان است  
ختم گردیده آب و رنگ ثبات  
که بر این جوهر متین درجات  
(همان، ۳۲۳)

بیدل در ادامه با همین دلایل نتیجه می‌گیرد که نباید کیمیاگری را شغلی سهو و بیهوده دانست:

کیمیا را به عزم حاصل آن  
نتوان کرد شعل سهو گمان  
بر همه پیشه عظم باید داد  
...صنعتی را که زر کند ایجاد  
(همان، ۳۲۳)

#### نتیجه

نکته‌ای که همه اشارات پیش‌گفته بر آن استوار می‌شود، این است که بیدل «زر» را از آنجا می‌ستاید که آن را در جوهر وجودی هر انسانی می‌بیند. به دیگر سخن باید گفت توجه به رمزگان نمادین «زر» که بیدل بخش قبل از حکایت استاد کیمیا جوهر به روشنی بازگشوده است، می‌تواند انگیزه درونی استاد کیمیا جوهر را در جستجوی بی‌پایانش در طلب کیمیا و اکسیر در سراسر زندگی اش توجیه کند. بیدل در ابتدای همین متنوی گفته است: تربیت چیست؟ خاک زر کردن (همان، ۵۲). و بار دیگر در انتهای روایت استاد کیمیا جوهر (همان، ۳۳۹) بر این مهم صحه می‌گذارد:

صورت اصل کیمیا این بود  
که نمایان شد از سرادق جود  
کز جماد و نبات و انسان زاد  
...این عمل داد جامعیت داد  
که به هر مشت خاک در کار است  
...زین عمل صد هزار اسرار است

افضلی، خلیل الله، ۸۳۸۸، سیر انتقادی بیدل پژوهی در زبان فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

بیدل دهلوی، میرزا عبدالقدیر، ۸۳۸۹، کلیات بیدل، تصحیح خال محمد خسته و خلیل الله خلیلی، به کوشش بهمن خلیفه بناروانی، ج ۳: مثنوی ها تهران: طایله.

پرینس، جرالد، ۸۳۹۸، روایت‌شناسی شکل و کارکرد روایت، ترجمه ای محمد شهبا، تهران: مینوی خرد.

سلجوقی، صلاح الدین، ۸۳۲۳، نقد بیدل، مهتمم عبدالله رئوفی، کابل: وزارت پوهنی و ریاست دارالتألیف.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۸۳۸۹، شاعر آینه‌ها، بررسی سبک هندی و شعر بیدل، تهران: آگاه.

میرزایی، محمد سعید و صالحی‌نیا، مریم، ۸۳۹۳، «تحلیل روایی عنصر زمان در حکایتی از مثنوی «محیط اعظم» بیدل دهلوی»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دوره ۷، شماره ۲۲، بهار ۸۳۹۳.

نیکوئی، علیرضا، ۸۳۹۲، «تأملی در ساختار تمثیلی طلسیم حیرت بیدل دهلوی»، فصلنامه الهیات هنر، سال اول، شماره اول، صص ۵۸-۸۱